

تلاش برای لغو احکام دادگاه انقلاب اسلامی سقز و تشکیل یابی کارگران!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

در شرایطی که فقر و فلاکت و اختناق سیاسی زندگی را بر اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران تلخ و دشوار ساخته است، مسئله تشکیل یابی و اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و لغو احکام دادگاه سقز علیه پنج نفر از فعالین و چهره های سرشناس جنبش کارگری، مهم ترین اولویت این دوره جنبش ماست!

اما متأسفانه بحث هایی که این روزها در رابطه با مسایل کارگری و مساله دستگیرشدگان سقز در سایت های اینترنتی در جریان است، بسیار نگران کننده است. این بحث ها اگر در فضایی رفیقانه و بدون هوجبگری و برچسب زدن های ناروا نباشد شاید گوش شنوایی پیدا کنند، اما در چنین فضایی نه تنها بحث و جدل های این چنینی تاثیرگذار نیستند، بلکه مضر هم هستند. بنابراین ادامه چنین بحث هایی زیانش از سودش بیشتر است و تاثیرات مخرب دارد.

اصولاً هر جریان و انسانی که خود را در قبال جنبش کارگری کمونیستی مسئول می داند و با خلوص نیت هر آنچه که در توان دارد برای برداشتن موانع پیش پای پیشروی این طبقه به کار می اندازد، قطعاً نباید وارد چنین فضای آلوده ای شود. بحث این نیست که نباید بحث و نقد کرد و یا درس اخلاقی به کسی داد، برعکس بحث های اثباتی و نقدهای رفیقانه سازنده است و به رفع موانع جنبش کارگری نیز یاری می رساند. اما برخی جریانات حاشیه ای به جای پرداختن به بحث های اثباتی، صرفاً برای مطرح کردن خود مواضعی را اتخاذ می کنند که جنجالی پست سر آن راه بیافتد؟! چنین شیوه هایی اگر به درد جریانات سکتاریست و معلمان ایدئولوژیک می خورد، قطعاً به درد کارگر و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی او نمی خورد.

هر انسان و جریان متعهد و مسئول با توجه به موقعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران، هنگامی که می شنود تعدادی از فعالین کارگری دست اندرکار متشکل کردن کارگران هستند صرف نظر از این که این فعالین به کدام گرایش و سازمان و حزبی نزدیکی سیاسی دارند، واقعا خبر خوشحال کننده ای است. خوشحال شود. زیرا طبقه کارگر تا روزی که متحد و متشکل نشود و هدفمند علیه سیستم سرمایه داری مبارزه نکند، بحث از انقلاب اجتماعی و تغییر جهان موجود فقط در حد آرزو و اعلام موضع باقی خواهد ماند. اما متأسفانه هستند افراد و جریاناتی که فکر می کنند اگر طبقه کارگر و فعالین آن به میدان بیایند دیگر بساط این ها برچیده خواهد شد، بنابراین آگاهانه و ناآگاهانه لطمات زیادی به جنبش کارگری وارد می سازند. علاوه بر این، در جنبش ما يك سنت نادرست دیگر هم وجود دارد و آن هم تحمل صدای مخالف است. به محض این که ما اختلافی با کسی پیدا می کنیم بلافاصله این اختلاف را آن چنان به رودررویی می کشانیم تا به جدایی و خصومت منجر شود. جنبش کارگری کمونیستی ایران و جهان، تجارب تلخی از این جدایی ها و پراکندگی ها دارد.

اساساً هر فرد و جریانی که واقعا دلش برای پیشروی طبقه کارگر می طبد نه در حرف، بلکه باید در عمل نشان دهد که از متشکل شدن کارگران با هر گرایشی خوشحال است. قاعدتاً در فضایی رفیقانه و به دور از هر گونه هوجبگری و درست کردن فضای آلوده و خصمانه اشکالات آن را مورد نقد قرار دهد. از این رو، هیچ کس و هیچ جریانی نباید به خودش اجازه دهد که به طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری امر و نهی کند و یا در صورت احساس مخالفت، به تخریب آن برخیزد. حق طبیعی و مسلم کارگران است که تشکل دلخواه خودشان را به وجود بیاورد.

از سوی دیگر مسیر مبارزه طبقاتی، يك جاده صاف و اسفالت شده نیست که هر کسی آخرین مدل ماشین زیر پایش است و تا آخر بر پدال گاز فشار بیاورد زودتر به مقصد خواهد رسید. این امر شاید برای مسابقه اتومبیل رانی مناسب باشد اما به در طبقه کارگر نمی خورد. مبارزه طبقاتی سخت، دشوار و پر از فراز و نشیب های پیچیده پراتیکی و نظری است که طبقه کارگر و فعالین آن با عبور از آن ها آبدیده

می‌شوند و از جان و زندگی خود مایع می‌گذارند تا طبقه‌شان نقش تاریخی خود را در برافکندن بورژوازی و برپایی جامعه نوین آزاد و برابر و انسانی ایفا کند.

علاوه بر این‌ها، متاسفانه برخی از افراد و جریاناتی که بحث و مواضع خود را در روزهای اخیر در سایت‌های اینترنتی منتشر نموده‌اند، یک مسئله بسیار مهم را نادیده گرفته‌اند و آن هم موقعیت بسیار متفاوت فعالین جنبش کارگری کمونیستی در داخل و خارج کشور است. ما در خارج کشور از هر لحاظ دست‌مان باز است که حرف آخرمان را اول هم بزنیم. ما در خارج کشور با آن‌چنان سانسور و خودسانسوری مواجه نیستیم، مستقیماً با پلیس و زندان سیاسی سر و کار نداریم، اما در داخل کشور مسئله کاملاً برعکس است. مشکلات اقتصادی از یک‌سو و سانسور و اختناق از سوی دیگر، فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی و حق‌طلب را در معرض خطرات گوناگون قرار داده است. هنوز هم در ایران آزادی تشکل، اعتصاب، تجمع، بیان و قلم «ممنوع و حرام» است. مشخصاً شبیح تهدید و زندان بر بالای سر این ۵ فعال و رهبر سرشناس جنبش کارگری ایران، به پرواز درآمده است. اکنون روزنه و فضایی که در جنبش کارگری باز شده است، مدیون توازن قوایی است که خود طبقه و فعالین و پیشروان آن با فداکاری و جان‌فشانی‌هایشان بر سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه‌تحمیل کرده‌اند. با این وجود باز هم نباید این امر مهم با یک اختلاف جزئی که احیاناً در نوشته این و یا آن رفیق فعال جنبش کارگری داخل کشور وجود دارد، به یک سوژه تبلیغی جریانات و فعالین جنبش کارگری کمونیستی در خارج کشور تبدیل شود. چنین روش‌هایی خطرناک است و عواقب بدی به دنبال دارد که به مبارزه و اتحاد و همبستگی طبقاتی لطمه می‌زند. می‌توان در فرصت‌های مناسب و در فضایی صمیمانه و رفیقانه اختلافات سیاسی را مورد بررسی و نقد قرار داد. نیروهای چپ و کمونیست، مسئولیت آگاهانه و آزادانه سیاسی و اجتماعی و انسانی سنگینی را به عهده دارند. وارد کردن هرگونه ضربه روحی و روانی و امنیتی بر فعالین کارگری، به ویژه توسط فعالین جنبش کارگری کمونیستی که در حال حاضر اجباراً در خارج کشور به سر می‌برند، هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ انسانی غلط و نادرست است.

هدف در این‌جا وارد شدن به جزئیات این نوع مباحثی که در سایت‌های اینترنتی در جریان است، نیست. بار دیگر تاکید به مسایل مهمی است که امروز در پیش پای ما فعالین و جریانات جنبش کارگری کمونیستی متعهد و مسئول در خارج کشور قرار دارد.

شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سقز، حکم دستگیرشدگان اول ماه مه ۸۳ سقز را در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۲۱ به وکلای مدافع آنان (آقای محمد شریف، و خانم‌ها مهشید محدود و منیژه محمدی) ابلاغ کرد. براساس این حکم، هادی تنومند و اسماعیل خودکام تبرئه و محکومیت سایر دستگیرشدگان اول ماه ۱۳۸۳ سقز عبارت است از:

۱- محمود صالحی، به «اتهام تجمع غیرقانونی» و تدوین جدول برای هزینه خانواده پنج نفره، به ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید به شهرستان قروه، محکوم شده است. اتهام دیگر محمود صالحی، تشویش اذعان عمومی است که به دادگاه عمومی ارجاع شده است. صالحی، از اتهام هواداری از کومه‌له که قبلاً در پرونده‌اش ذکر شده بود، تبرئه شده است؛

۲- سیدجلال حسینی، به «اتهام تجمع غیرقانونی» به ۳ سال زندان محکوم شده است. حسینی نیز از اتهام هواداری از کومه‌له تبرئه شده است؛

۳- محسن حکیمی، ۲ سال زندان؛

۴- محمد عبدی‌پور، ۲ سال زندان؛

۵- برهان دیوارگر، ۲ سال زندان.

بدین ترتیب احکام فوق‌نه تنها برای خاموش کردن صدای حق‌طلبی و اعتراض و فعالیت خود این فعالان شناخته شده جنبش کارگری ایران است، بلکه برای مرعوب کردن کل جنبش کارگری ایران و به ویژه حرکت‌های رادیکال کارگران کردستان که برای گرفتن حق و حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود علیه سیستم سرمایه‌داری و رژیم حامی سرمایه‌به مبارزه آگاهانه و هدفمند دست می‌زنند. برای مثال کارگران

نساجی کردستان، با اتکا به مجامع عمومی منظم، ۵۷ روز اعتصاب کردند که هر لحظه با ترفندها و توطئه‌های کارفرما و مسئولین دولت در این استان روبه‌رو بودند، اما با اتحاد و همبستگی و پیگیری اعتصاب خود را به پیروزی رساندند و مطالبات خود را به کارفرما و دولت تحمیل کردند. همچنین امروز خواسته‌هایی نظیر لغو شکنجه و اعدام و آزادی همه زندانیان سیاسی، آزادی تشکل، اعتصاب و تجمع، به خواسته‌های اجتماعی در جامعه ایران تبدیل شده است و این خواسته‌ها هر روز رساتر از روز قبل در جامعه، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، دانشگاه‌ها، محلات، نشریات، سخنرانی‌های رادیویی و پالتاکی، سایت‌ها، وبلاگ‌ها و غیره در سطح میلیونی ابراز می‌شود. مسلم است که قبل از هرکس ما کارگران و کمونیست‌ها وظیفه انسانی، اجتماعی و سیاسی خود می‌دانیم که از همه امکانات و روابط موجودمان برای لغو احکام صادره علیه این پنج فعال کارگری، بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی و بدون در نظر گرفتن منافع شخصی و تشکیلاتی و با خلوص نیت بکوشیم. در جامعه ایران و خارج کشور، پتاسیل بالای مبارزاتی بر علیه هرگونه سرکوب و ستم و استثمار کارگران و مردم محروم و زحمتکش وجود دارد که اگر هماهنگ و با برنامه و هدفمند سازمان‌دهی شود، قطعاً دادگاه انقلاب اسلامی سقز را به عقب‌نشینی وادار خواهد کرد و احکام صادره بر علیه این ۵ فعال و رهبر جنبش کارگری لغو خواهد شد.

در خارج کشور در حال حاضر باید از برگزاری آکسیون، آن هم آکسیون‌های ضعیف و یا اعلام کمپین‌های سراسری از طریق جلسات پالتاکی خودداری کرد. تجربه تاکنونی نشان داده است که روابط و تماس‌های مستقیم و مستمر فعالین محلی با اتحادیه‌ها و فدراسیون‌های کارگری، به ویژه لوکال‌های محلی اتحادیه‌ها که نسبت به رهبری فدراسیون‌ها رادیکال و پیشرو هستند، نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر مانند کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا و امنستی، سازمان و احزاب چپ و سوسیالیست پارلمانی و غیرپارلمانی کشورهای غرب با خواست محکوم کردن قوانین ضدکارگری و لغو احکام صادره علیه ۵ فعال جنبش کارگری اقدامات لازم را پیش ببرند، موثرتر است. استفاده از همه این امکانات، مواضع طبقاتی و کمونیستی ما را تضعیف و یا منحرف نمی‌کند. بنابراین ما باید از همه امکانات موجود، حتا از خود قوانین جهان‌شمول بورژوازی نیز برای لغو این احکام و مطالبات کارگران استفاده کنیم، دچار هیچ خطای سیاسی مرتکب نشده‌ایم.

بدین ترتیب، نه تنها باید کمپین سیاسی-تبلیغی برای لغو فوری و بدون قید و شرط این احکام دادگاه انقلاب اسلامی سقز را در سطح وسیعی سازمان‌دهی کنیم، بلکه اساساً برای آزادی برگزاری مراسم‌های مستقل روز جهانی کارگر، آزادی تشکل، تجمع، اعتصاب و بیان نیز افکار عمومی بین‌المللی آگاه و بسیج کنیم. استفاده از رسانه‌های سازمان‌ها و احزاب و دیگر رسانه‌های سازمان‌های چپ و کمونیست غرب و رسانه‌های رادیکال برای افکارسازی بسیار مهم و حائز اهمیت است.

بدین ترتیب، در حال حاضر مسئله مهم و اساسی ما فعالین و جریانات جنبش کارگری کمونیستی در دو عرصه مشخص، یعنی تلاش برای لغو احکام دادگاه انقلاب اسلامی سقز در مورد ۵ فعال جنبش کارگری و تلاش برای سازمان‌یابی مستقل کارگران ایران علیه سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه در راس اولویت‌هایمان قرار دارد. یعنی مبارزه و تلاش‌های ما جدا از فعالیت‌ها و مشغله‌های روزمره و روتین، ضروری است که پیرامون این دو عرصه مشخص متمرکز گردد. اگر جنبش کارگری کمونیستی ما بتواند در این دو عرصه یاد شده موفقیت‌هایی را کسب نماید، بی‌شک قادر خواهد بود گام‌های محکم و بلندی را در جهت تحقق اهداف عالی مبارزه طبقاتی بردارد.

می‌دانیم که دور کردن فعالین عملی و رهبران جنبش کارگری از توده کارگران، لطمات زیادی به جنبش کارگری وارد می‌سازد و روحیه عمومی کارگران را تضعیف می‌کند. حداقل برای یک دوره دیگر تشکل‌یابی مستقل کارگران، به ویژه گرایش رادیکال و ضدسرمایه‌داری را به تعویق می‌اندازد. از این‌رو لغو احکام صادره علیه فعالین جنبش کارگری ایران، تاثیر به‌سزایی در تشکل‌یابی کارگران دارد.

در جمع‌بندی این مطلب لازم به تاکید است که آزادی بی‌قید و شرط تشکیل اتحادیه‌ها، شوراهای، انجمن‌ها، کمیته‌های کارگری و... جزئی از حق مسلم کارگران برای ایجاد هر نوع تشکل صنفی و سیاسی است و همواره کارگران کمونیست در صف مقدم مبارزه طبقاتی قرار می‌گیرند. گرایش رادیکال و کمونیستی طبقه

کارگر، همواره منافع کل طبقه را در مدنظر دارند و برای جلوگیری از تفرقه و پراکندگی به طور مداوم به فکر چاره‌جویی و راه‌حل می‌افتد. همچنین از تلاش‌های کارگران برای ایجاد تشکل‌های مستقل حمایت و استقبال می‌کند و از هر طریق ممکن به آن یاری می‌رساند. برای نزدیک شدن هر چه بیشتر تشکل‌های کارگری برای برپایی یک تشکل سراسری و جلوگیری از سیاست‌های بوروکراتیک، مجامع عمومی را که به دمکراسی مستقیم و اراده مستقیم کارگران اتکا دارد، توصیه و تشویق می‌کند. اعتصاب طولانی ۵۷ روزه کارگران نساجی کردستان یک بار دیگر این واقعیت را در مقابل جنبش کارگری ایران قرار داد که اگر کارگران با برگزاری مجامع عمومی منظم خود با نمایندگان منتخب خود در مشورت و تبادل نظر مداوم قرار گیرند، ترفندها و توطئه‌های کارفرمایان، نیروهای امنیتی و دیگر ارگان‌های دولتی نمی‌توانند تاثیری در عزم و اراده و پیشبرد مبارزه و پیروزی آن‌ها داشته باشند. بنابراین کارگران هر نوع تشکلی به وجود می‌آورند و هر نوع اسمی به تشکل خود اختصاص می‌دهند اگر به مجامع عمومی اتکا کنند، از یک سو به طور متحد و قدرتمند در مقابل سرمایه‌داران ظاهر می‌شوند و از سوی دیگر از غلتیدن تشکل‌شان به سیاست‌های رفرمیستی و بوروکراتیک جلوگیری می‌کنند.

در رابطه با لغو احکام دستگیرشدگان اول ماه مه ۸۳ سفز نیز فعالیت در عرصه بین‌المللی، برقراری تماس با اتحادیه‌ها و سندیکاها و تشکل‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر، رسانه‌های گروهی، سازمان‌های مختلفی که تحت نام چپ، سوسیالیست و کمونیست فعالیت دارند از یک سو و افکارسازی حول این مسئله و دیگر مطالبات کارگران از سوی دیگر را باید هر چه بیشتر تعمیق و گسترش دهیم. در عین حال ما باید در فضایی دوستانه و رفیقانه انتقادات خود را به سیاست‌هایی که نسبت به آن‌ها نظر داریم در موقع مناسب و در جای خود مطرح کنیم.

با امید این که همه نیروهای جنبش کارگری کمونیستی شرایط حساس این دوره را در نظر بگیرند و از قطبی کردن بی‌مورد بحث‌ها و به تقابل کشاندن غیرضروری آن‌ها، به این دو اولویتی که در بالا اشاره کردیم توجه بیشتری را مبذول دارند و انرژی‌ها را بی‌خود به هرز نبرند. ادامه بحث‌های کشدار و اعلام مواضع عجولانه و فکر نشده به کشمکش‌های غیراصولی دامن می‌زند و به مبارزه متحد طبقاتی لطمه وارد می‌سازد که باعث شادی سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه می‌گردد.

سرانجام در هر شرایطی، دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر، آرمان سوسیالیسم و رهایی از بی‌عدالتی، ستم، اختناق، استثمار و استبداد سرمایه‌داری وظیفه دایمی کلیه نیروهای جنبش کارگری کمونیستی در ایران و جهان است!